

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

لئونید ساوین* (LEONID SAVIN)

برگردان از: ا.م. شیری

۱۲ فیبروری ۲۰۲۰

نظامیگری زنانه به عنوان سیمای سیاست غرب

راجع به زنانه کردن تهاجمی فرهنگ سیاسی غرب

پیروان جناح فمینیستی روابط بین الملل مکتب لیبرالی افسانه‌ای دارند که اغلب نقل می‌کنند: آنها می‌گویند، ساختار قدرت توسط مردانی ایجاد شده، که تمایل دارند مانند رزمندگان (یا رقباء) ببیندند. جهان به جنگ و درگیری محکوم است. اما زنان فاقد «تفکر فالوسنتریک» هستند، مزید بر این، حس مادری، زنان سیاستمدار را به رفتار دلسوزانه با هم‌نوع ترغیب می‌کند. پیروان این نظریه عجب تصور می‌کنند، که زنان بیشتر مستعد همدلی هستند. بر این مینا، اگر احساسات آن‌ها به برنامه‌مناسبات بین‌المللی تبدیل شود، صلح جهانی برقرار خواهد شد. اما «تئوری» در عمل ثابت نشد. زنانه‌سازی تهاجمی فرهنگ سیاسی مشهود است. نباید فراموش کرد، که تصدی وزارت دفاع کشورهای المان، ناروی، سویدن، هالند، ایتالیا و البانی را تقریباً به طور همزمان نمایندگان جنس لطیف بر عهده گرفتند. آیا نبود «تفکر فالوسنتریک» آنها، موجب برقراری صلح در دنباس گردید؟

«و نیز، در کشور پادشاهی اسپانیا، خانم کارمه خاسون (Carme chacón) در دولت دوم خوزه لونیس ساپاترو در سال ۲۰۰۸، در ماه هفتم حاملگی خود تصدی وزارت دفاع را بر عهده گرفت و دو روز پس از تصدی این پست با شکمی حامله به افغانستان رفت» (از میان به یاد مانده‌های مترجم).



(عکس کارمه خاسون)

مادلن اولبرایت، وزیر امور خارجه آمریکا، نخستین زن در این پست در تاریخ آمریکا را به خاطر آوریم. اولبرایت در تصمیم‌گیری برای **بمباران یوگسلاوی** بلاواسطه شرکت داشت. او اهداف بمباران را شخصاً انتخاب کرد و تنفر ذاتی خود نسبت به صرب‌ها را آشکارا نشان داد.

کاندالیزه رایس نمونه شاخص دیگری از این دسته زنان است. این خانم، در سال‌های ۲۰۰۱-۲۰۰۵، در دوره جورج بوش کوچک مشاور امنیت ملی بود. همراه با **کولین پائول** او به دروغ گفت، که عراق تسلیحات کشتار جمعی دارد و برای حمله به این کشور پافشاری کرد. حمله به افغانستان نیز با پرونده‌سازی او اتفاق افتاد. در همان سال‌ها یک زن لیبرال مهاجم امریکائی دیگر به نام **هیلری کلینتن** شهرت یافت. او به محض شنیدن خبر **قتل معمر قذافی**، رهبر جماهیری لیبیا با «وانو» آدمخوارانه خود، جهان را در حیرت فرو برد.

ویکتوریا نولاند که با توزیع بیسکویت در **کی‌یف**، از **جفری پایت**، سفیر آمریکا در اوکراین خواست تا اروپائی‌ها را به سبب عدم آمادگی کامل اتحادیه اروپا برای دنباله‌روی از واشینگتن در حمایت از **کودتای نازی‌ها در اوکراین** به جهنم بفرستد («Fuck the EU»)، از این جنس زنان بود.

این لیست را می‌توان با **سامانتا پاور**، مدیر کمیته امنیت ملی ایالات متحده آمریکا در روابط بین‌الملل، سفیر این کشور در ملل متحد از سال ۲۰۱۳-۲۰۱۷، «صدای وجدان نخبگان سیاست خارجی آمریکا»، همانطور که مجله «تایمز» نامید، تکمیل نمود. خط او را در ملل متحد **نیکی هیلی**، جانشین وی ادامه داد.

دونالد ترمپ که علاقه مند بود او را یک **ماده هوس‌انگیز اصیل** (کلمه اسپانیولی «*macho*») بنامند، با وضعیتی که او در «تبادل جنسیتی» در کادرهای مجموعه صنایع نظامی آمریکا به وجود آورد، نشانه تغییر شدید به نفع زنانه کردن بود. مدیریت اجرائی چهار واحد از پنج پیمانکار صنایع دفاعی برتر آمریکا به عهده زنان سپرده شد. **مرلین هویسون** (Marilyn Hewson) مدیریت کمپانی **لاکهد مارتن** را بر عهده گرفت. **فبی نوکویچ** (Phoebe Novakovich) به ریاست و مدیر اجرائی **جنرال دینامیکس** گمارده شد. **کیتی واردون** (Katie Wardon) به عنوان رئیس **نورثروپ گرومن** معرفی گردید. ریاست واحد **بونینگ**، تولیدکننده تجهیزات جنگی به **لیان کارت** (Lianne Caret) سپرده شد. علاوه بر نامبردگان، **آندره تامپسون** (Andrea Thompson) به مقام معاونت وزیر خارجه در امور نظارت بر تسلیحات و مسائل امنیت بین‌المللی منصوب گردید (این خانم از ارتش به وزارت خارجه منتقل شد).

چهار نفر زن دیگر به عنوان معاونان رئیس کمپانی **رایتون** (Raytheon)، یکی دیگر از مجتمع‌های صنایع نظامی ایالات متحده آمریکا خدمت می‌کنند. مدیریت امنیت سایبری آژانس امنیت ملی ایالات متحده آمریکا نیز به **آنا نوربرگر** (Anna Neuberger)، عضو فرقه **حسیدیزم بروکلی** (فرقه عرفانی یهودیان اشکنازی-م) سپرده شد. **تولسی گابارد** (Tulsi Gabbard)، نامزد ریاست جمهوری آمریکا یک اعجوبه بسیار جالب توجه است. این خانم به موازات کار در کنگره آمریکا، دو بار با درجه سرگردی گارد ملی به خدمت نظامی در خاورمیانه اعزام گردید.

جای دارد، یادی هم از **مارگارت تاچر** (Margaret Thatcher) بکنیم، که خود را نه تنها در سیاست خارجی (جنگ با افغانستان، حمایت از رژیم‌های دیکتاتوری در آمریکای لاتین)، حتی در رابطه با هموطنانش «**بانوی آهنین**» می‌نامید. به ابتکار او کاتولیک‌های ایرلند شمالی بشدت سرکوب شدند. او، جنبش اتحادیه‌ی بریتانیا را عملاً نابود کرد. تاچر با اظهار این که «**جامعه وجود ندارد**»، در یادها ماند.

البته، از خانم‌ها، **آنگلا مرگل** (Angela Merkel) و **اورسولو فون در لاین** (Ursulu von der Layen)، رئیس کمیسیون اروپا نیز نمی‌توان نام نبرد. اما این‌ها، علاوه بر این تصور بزرگ هستند.

این پدیده را چگونه می‌توان توضیح داد؟ در کل، اگر ضرورت رقابت و درگیری‌های ناشی از آن بالاترین معیار سنجش قرار داده شود، این مهم نیست که جنگ‌ها را مردان شروع می‌کنند یا زنان. تفکیک زنان «مطرح» از مردان «مطرح» در این فضای اجتماعی بسیار دشوار است. اما هدف از خواسته غرب مبنی بر اعطای حقوق بیشتر به زنان از حاکمیت کشورهایی که در آنها سنت‌ها بیشتر از امریکا مورد احترام هستند، تضعیف فرهنگ سازمانیافته آن کشورها می‌باشد. مصداق بارز آن صربستان است، که آن را کشور ارتدوکس تعریف می‌کنند، اما نخست وزیر فعلی آن یک لژیون آشکار است. نه اقتصاد صربستان و نه کیفیت زندگی صرب‌ها موجب سعادت در زندگی جنسی غیرطبیعی آنها برنابیچ (Ana Brnabich) نگردید. و این مسأله که این اعجوبه در مقام نخست وزیری دولت صربستان چه تأثیری بر شعور ملی و فرهنگ صرب گذاشته است، هنوز باید مطالعه کنیم.

زنانه‌سازی تهاجمی فرهنگ سیاسی غرب اساساً با سنن بنیادین، خصومت ذاتی و الگوهای سنتی اجتماعی ارتباط دارد؛ با چیزی که دنیا را اسیر می‌کند و هنوز نام دقیقی برای آن پیدا نکرده‌ایم.

* - دانشمند علوم سیاسی، کارشناس مسائل بین‌المللی، سردبیر نشریه خبری- تحلیلی «ژئوپلیتیک»

مأخوذ از: [بنیاد فرهنگ راهبردی](#)

۲۲ بهمن- دلو ۱۳۹۸